

امیر خسرو افشار دیپلماتی کاردان و شایسته



دکتر مصطفی الموتی

احتیاط می گفت، عراقی ها آبادان را خراب و خساراتی وارد می کنند سخت برآشفتم و گفتم: «ما به هر قیمت و با هر فداکاری باید در برابر عراق بایستیم و این وایلاها نشانه ضعف است.»

دکتر امیراصلاح افشار می نویسد: ابر مردی بود بسیار نیکنام و ایران پرست و باعث افتخار خاندان افشار. در همه مشاغل تا سر حد توان خدمات ارزنده ای به ملک و ملت ایران کرد. درگذشت او برای من که در این دیار غربت تنها مانده ام بسیار طاقت فرسا و ناگوار است.

دکتر پرویز عدل می نویسد: او دیپلمات برجسته و ممتاز ایران بود. در خدمت وزارت امور خارجه زود درخشید و مصدر خدمات مهمی شد.

همواره متین و مودب و خوش رفتار بود و در مأموریت ها از آلودگی های اخلاقی و مالی برکنار ماند. رئیس و مدیر خوبی بود که همواره ضوابط را

بسر روابط ترجیح می داد. در دولت های شریف امامی و از هاری که وزیر خارجه شد با آن که بیشتر دولتمردان از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کردند وی استوار و محکم پشت میزش تلاش می کرد تا به وضع وزارت خارجه سر و سامانی بدهد موقعی که به او گفتند ارتش شاهنشاهی برای سه روز ذخیره بنزین دارد به قطر شتافت و برای ارتش بنزین خرید. در حل مسئله بحرین و مشکل اروند رود نقش سازنده ای داشت. هم زمان با تصدی او در قائم مقامی وزیر امور خارجه پسر عمویش دکتر امیراصلاح افشار رئیس تشریفات دربار بود که هر دو می کوشیدند منشأ خدمتی باشند که

افسوس این قبیل افراد دیر روی کار آمدند. اگر امثال اینها در روزهای بحرانی زیادتیر بودند ای بسا می توانستند کشتی طوفان زده وطن را به ساحل نجات برسانند.

در کتاب بزرگان آذربایجان غربی چنین نوشته شده است: سیف افشار پس از تحصیل علوم قدیمه وارد مدرسه علمیه شد در جرات نظامی را در قشون سابق گرفت و فرماندهی اردوی تبریز و ریاست کل بازرسی قشون و فرماندهی بریگاد مرکزی در زمان های مختلف را برعهده داشت و در اثر ابراز لیاقت در کار خود به دریافت نشان درجه یک الماس نائل گردید.

سیف افشار پس از تشکیل ارتش نوین ایران به درجه سرتیپی رسید. مدتی دبیر شورای عالی ارتش بود و ریاست عشا بر شمال غرب و معاونت اداره کل بازرسی را عهده دار بود. یکی از کارهای جالب سیف افشار تحویل جنازه مازور ایمری سر کنسول آمریکا بود که در واقعه سقاخانه کشته شده سیف افشار جنازه او را تحویل رزمناو آمریکایی در بوشهر داد.

سرتیپ علی اکبر سیف افشار آجودان مخصوص رضاشاه بود و مدتی استاندار گیلان و خراسان گردید و در دوره های ۲ تا ۵ سناتور انتصابی تهران شد. سرتیپ سیف افشار از دوستان نزدیک سپهبد زاهدی بود، وقتی هم فرمان نخست وزیری زاهدی صادر گردید و به مخفیگاه رفت، یکی از مراکز فعالیت او خانه سیف افشار بود.

اردشیر زاهدی در خاطراتش می گوید: وقتی فرمان نخست وزیری پدرم صادر شد یک جلسه مهم تاریخی در منزل سیف افشار تشکیل گردید که از مهمترین جلسات بود و



در عین حال نشانه ای از تصمیم پدرم و وفاداری و همکاری بی شائبه شرکت کنندگان در جلسه، در این جلسه پدرم گفت من در اجرای امر رئیس مملکت تا آخرین قطره خون خود را نثار می کنم و به این خیمه شب بازی خاتمه می دهم، پدرم چند شب در منزل سیف افشار بود.

امیر خسرو افشار، دکتر اصلاح افشار، پرویز یارافشار و سیف الله افشار پسر عمو بوده و همه از نوه های وزیر نظام افشار هستند، پدر بزرگ او هم الهیارخان افشار آجودان باشی کل ناصرالدینشاه بود. سیف افشار پدر امیر خسرو افشار که در سال ۱۳۴۸ در تهران در سن ۸۸ سالگی درگذشت در زمان احمدشاه درجه سروانی داشت.

امیرنجات می نویسد: نخستین ایرانی که در فرانسه در لژ فراماسونی عضویت یافت (عسکرخان افشار ارومی) بود که با عنوان سفیر فوق العاده فتحعلیشاه به دربار ناپلئون اعزام گردید ولی قبل از او چند نفر از ایرانیانی که به هند سفر کرده بودند عضو لژ فراماسونری هندی شده بودند.

عسکرخان افشار خدمات خود را در دستگاه عباس میرزا نایب السلطنه در تبریز آغاز نمود و از سر کارگان قشون بود و در سال ۱۸۰۸ میلادی به عنوان نماینده شاه ایران به دربار ناپلئون رفت که فتحعلیشاه او را

(عمده الخوانین) نامید.

سیف افشار پس از تشکیل ارتش نوین ایران به درجه سرتیپی رسید. مدتی دبیر شورای عالی ارتش بود و ریاست عشا بر شمال غرب و معاونت اداره کل بازرسی را عهده دار بود. یکی از کارهای جالب سیف افشار تحویل جنازه مازور ایمری سر کنسول آمریکا بود که در واقعه سقاخانه کشته شده سیف افشار جنازه او را تحویل رزمناو آمریکایی در بوشهر داد.

سرتیپ علی اکبر سیف افشار آجودان مخصوص رضاشاه بود و مدتی استاندار گیلان و خراسان گردید و در دوره های ۲ تا ۵ سناتور انتصابی تهران شد. سرتیپ سیف افشار از دوستان نزدیک سپهبد زاهدی بود، وقتی هم فرمان نخست وزیری زاهدی صادر گردید و به مخفیگاه رفت، یکی از مراکز فعالیت او خانه سیف افشار بود.

اردشیر زاهدی در خاطراتش می گوید: وقتی فرمان نخست وزیری پدرم صادر شد یک جلسه مهم تاریخی در منزل سیف افشار تشکیل گردید که از مهمترین جلسات بود و

از تبهکاری تا وزارت!

سیاوش اوستا



شوند و در نتیجه پاتریک فرار می کند اما آن به دام پلیس می افتد.

صبح روز بعد پلیس موفق به بازداشت پاتریک فراری می شود و آن در حالی است که وی با پای برهنه و لباس پاره پاره است. آقای ونسان پایان یک روزنامه محلی که کل این ماجرا را نوشته است را به عنوان سند مهم خود به خبرنگاران نشان می دهد و می گوید این آقایان با ما اعتراض می کنند برای علی سوماره؟ ولی پیشینه خودشان را فراموش کرده اند؟ در سال ۱۹۶۵ که آلن مادلن و پاتریک دوچیان بازداشت می شود از کشتی آنها هفت تیر، موتور کشتی و وسائل یدکی اتومبیل و کارت شناسائی جعلی نیز کشف شده است.

این دو جوان که در نوامبر سال ۱۹۶۵ به یکسال زندان محکوم می شوند تحصیلات خود را در رشته حقوق ادامه داده و هر دو از شخصیت های معروف احزاب راست فرانسه می شوند که با والری ژیسکار دست و ژاک شیراک و اینک با نیکولا سرکوزی همکاری می کنند و هر دو وکلای بسیار موفق در کارهای خود بوده اند.

نکته دیگری که در زندگی این سه تبهکار و خلافکاری که به پست های بالای حکومتی در فرانسه رسیده و یا خواهند رسید به چشم می خورد مسئله خانواده آنها است. مادر آلن مادلن و مادر علی سوماره هر دو کلفت و به قول فرانسوی ها فام دومناژ بوده اند.

به خاطر دارم که در سال ۱۹۸۴ آلن مادلن که وکیل مجلس فرانسه بود به مدت یک ماه تنبیه انضباطی شد به خاطر این که به رئیس جمهور فرانسوا میتران توهین کرده بود. هر چند آلن و پاتریک وکیل دادگستری و پس از آن وزیر شدند اما علی سوماره نتوانسته است دیپلم خود را بگیرد هر چند خیلی خوب حرف می زند و سخنرانی می کند.

www.awesta.net

تاکنون بسیار شنیده ایم که تبهکاران و دزدان با سابقه یابی سابقه به جهان سینما و هنر و غیره راه یافته و پله های ترقی و پیشرفت را طی نموده اند، اما کمتر شنیده و دیده ایم که این نوع افراد به مدارج بسیار عالی سیاسی کشورها و آن هم نه کشورهای جهان سوم و تپه از فرهنگ مدرن و تمدن کهن، بلکه کشورهای متملمن و پیشرفته جهان برسند.

انتخابات محلی فرانسه در راه است بدین رو چند روزی است که یک جنجال بزرگ حول و حوش نامزدهای انتخابات و شخصیت های سیاسی چپ و راست به راه افتاده است.

اول جنگ و دعوا از آنجا شروع شد که حزب سوسیالیست فرانسه یک جوان سیاه مسلمان متولد فرانسه را در لیست انتخاباتی خود قرار داد. این جوان ۳۰ ساله که علی سوماره نام دارد و از سال ۲۰۰۲ عضو حزب سوسیالیست فرانسه است در نوجوانی و به ویژه در ۱۹ سالگی با قانون و دادگاه و محاکم فرانسوی مشکل داشته است و در سوئیس شش ساله چند خط سیاه موجود است. حزب راست و رقیب سوسیالیست ها تا با نام این جوان مواجه شد، یکسری حملات را علیه این جوان و پیشینه اش آغاز کرده و این پدیده که تبهکاران به امور شهریگری و سیاست بپردازند را به نقد کشید.

هفته پیش آقای وتسان پایان از حزب سوسیالیست که یار خانم رویال در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری بود در دفاع از علی آقا سوماره به میدان آمده و به ناگهان جو سیاسی فرانسه را دگرگون کرد. وی اعلام کرد که دو تن از وزراء و شخصیت های بسیار مشهور فرانسه که از حزب دست راستی ها هستند در جوانی خلافکاری ها و دزدی هائی انجام داده و به دادگاه کشیده شده و محکوم شده اند. آقای پاتریک دوچیان که هم اکنون از وزرای دولت نیکولا سرکوزی است و اهل ترکیه و ارمنی است و آلن مادلن که سالها وکیل مجلس و در دولت هائی وزیر بوده است این دو، جوانان خلافکاری هستند که در سال ۱۹۶۵ مرتکب خلاف شده اند و پایشان به دادگاه و محکومیت کشیده شده است.

در ششم ماه اوت ۱۹۶۵ شهردار شهرکی در جنوب فرانسه متوجه می شود که دو جوان سرگرم دزدی بنزین از اتومبیل وی هستند آقای شهردار داد و فریاد راه می اندازد و این دو جوان با اتومبیل دزدی سیمکا به شماره GT83 73 پا به فرار می گذارند. پس از چند ساعت پلیس این دو را یافته و در پی یک تعقیب و فرار چند دقیقه ای دو جوان دزد با پلیس درگیر می

ارزیابی و نقد سبز با، یا بی مثلث رهبری؟!

اظهارات آقای دکتر روحانی در برون مرز انعکاس نیافت. در حالی که از مهمترین گفتار و شاید اصولی ترین ها بود. بدیهی است در فضای تب آلود خبر و خبر و خبر رسانه ها فرصت به تأمل را از خود سلب می کنند در حالی که خبر زیادی کشنده خبر اصلی است.

۸- تک: سر مقاله فیگارو مورخ ۱۶/۷/۲۰۱۰ به قلم YVESTHREARO.

۹- تک: COURRIER INT. مورخ ۱۸/۲/۲۰۱۰. ۱۰- عنوان نمونه رجوع کنید به مجله تایم ۲۰۱۰/۲/۲۲ و آرقام کل اقتصاد روبه رشد عربستان، کویت، بحرین، قطر، دبی، ابوظبی و غیره که حامل این نیت است که این کشورها خرج کم و درآمد هنگفت دارند.

۱۱- به نقل از ایران تایمز - به قلم نجمه بزرگمهر مورخ ۱۲/۲/۲۰۱۰.

۱۲- رهبر خامنه ای در تبریز گفت کار آنها تمام شد.

۱۳- این نظریه که مخالفان مایلند «بهای گزافی» نپردازند برآمده از تدبیر و عقلانیت مبارزاتی نیست و مقاومت را کم رنگ می کند که به قول نویسنده سیاستنامه «این کار دولت است کنون تا کرا رسد»

مدعی اند باید پرسید چگونه ممکن است یک نظام دیکتاتوری تحمل اپوزیسیون داشته باشد (۱۲) و اگر جنبش اعتراضی در مقاومت است چرا در سازماندهی تعلل می کند (۱۳).

پانویس ها: ۱- شایع است که امام برای پرهیز از لفظ «موسوی» که خاص او هم بود ایشان را «میرحسین» خطاب می کرد!

۲- تک: مقاله بررسی شعارهای جنبش مورخ همان زمان و در همین ستون.

۳- ناشر سندی بر دارائی های رهبر که منبع و مستند نداشت.

۴- تک: ایرانیان و اشنیگتن همان ایام به قلم سردبیر.

۵- آقای بنی صدر آنها را از بابت امتیاز دادن در مصاحبه ملامت کرده است. تک: مجله هفته چاپ مونترال - کانادا - مورخ ژانویه سال ۲۰۱۰.

۶- روشن نیست مراد وال استریت ژورنال از «حمایت آموزشی» چیست؟ اما بسیاری از مؤسسات در ایران بنام HUMANITIES از موقوفات فرهنگی و انسانی در غرب برخوردارند و کسی را حوصله دقیق شدن در آنها نیست.

۷- تک: اطلاعات - مورخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۰.

معنی آن است که چه کسی شعار «تقلب» و «رأی من کجاست؟» را به شعار مرگ بر دیکتاتور تبدیل کرد و نتیجه می گیرد که موسوی از حملات مستقیم به آیت الله خامنه ای که نتایج انتخابات را «پیروزی الهی» دانست، خودداری کرد. یعنی که بسیار بیش از اینها موسوی پس نشست به عمد و قصد و از سر تدبیر یا از سر ضعف. نویسنده روشن نمی کند ولی در انتها می گوید «ممکن است موسوی کارش به شهادت بکشد»

این که نویسنده چنین نتیجه ای می گیرد، آیا نتیجه یک نگاه خاص و نزدیکی با محافل درونمرزی است یا نظری است بر زندگی «اسرارآمیز» موسوی؟ مهم نیست. مهم این است که رسانه ها در برون مرز دل از موسوی کنده اند. و گر نه چه دلیل دارد به سرعت به سمت طرح پر سر و صدای همسایگان ایران بروند. یا حداقل بگویند تحریم تنها پاسخ است نه خشونت.

دو نتیجه مقابل ماست: اول این که موج سبز از نفس افتاده است چه در درون و چه در برون. دوم این که جنبش اعتراضی درون و برون بسیار در مقاومت است بی مثلث رهبری.

اما اگر حرکت سه رهبر موج سبز را من بعد یک اپوزیسیون داخلی بنامیم چنانکه جراید تهران بعضاً

بقیه در صفحه ۲۶